

بازسازی مفهومی و نظری بازدارندگی در سامانه‌های پیچیده و آشوبی

فرشید فرهادی^۱

عنایت‌الله یزدانی^۲

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۸/۲۴

تأیید مقاله: ۱۳۹۸/۱۲/۲۵

چکیده

تحول روابط بین‌الملل، به سمت سامانه‌های پیچیده و آشوبی، بنیان‌های نظری بازدارندگی کلاسیک را با تغییر و تحول روبه‌رو کرده است. این تغییر و تحولات سبب ناکارآمدی نظریه بازدارندگی کلاسیک در شرایط نوین شده است. در این راستا، سؤالی که مطرح می‌شود این است که تحول سامانه بین‌الملل در قالب سامانه‌های غیرخطی و آشوبی چه تأثیری در سازه فیزیکی و منطقی سامانه بازدارندگی خواهد داشت؟ در پاسخ، این فرضیه مطرح می‌شود که با تحول سامانه بین‌الملل به سمت پیچیدگی و آشوب، سازه منطقی و فیزیکی نظم منطقه‌ای نیز تغییر پیدا کرده است و آشوبناکی، شبکه و رژیم‌های بین‌المللی به‌عنوان سازه نوین نظم مطرح می‌شوند. متناسب با این سازه‌ها سامانه بازدارندگی نیز که تحت تأثیر سازه‌های سامانه قرار دارد، با تغییر و تحول روبه‌رو شده و شکل‌های نوینی از جمله بازدارندگی شبکه‌ای و جمعی پیدا کرده است. مهم‌ترین یافته پژوهش این است که سامانه بازدارندگی از یکجانبه‌گرایی به سمت چندجانبه‌گرایی حرکت کرده است. این پژوهش با رویکردی اثبات‌گرایانه و استفاده از روش تحلیل آماری به دنبال اثبات رابطه متغیرهای پژوهش است.

کلید واژه‌ها

نظریه‌های بازدارندگی؛ یکجانبه‌گرایی؛ چندجانبه‌گرایی؛ رژیم‌های بین‌المللی؛ سامانه پیچیده آشوبناک

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای دانشگاه جامع امام حسین (ع)

farshid.farhadi18@yahoo.com

eyazdan@ase.ui.ac.ir

۲. دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه سون یات سن چین و دانشگاه اصفهان

مقدمه

جنگ^۱ به عنوان یک واقعیت مسلم سیاست بین الملل مطرح است که هر لحظه احتمال رخداد آن وجود دارد. آثار و پیامدهای مخرب ناشی از آن، پیش فرض مهم شکل گیری علم روابط بین الملل شد. آنچه در این میان مهم است چگونگی کنترل جنگ است تا از تحمیل هزینه های آن بر واحدهای سامانه بین الملل جلوگیری به عمل آورد. مهم ترین مسیری که برای جلوگیری از رخداد جنگ در سامانه بین الملل وجود دارد، بهره گیری از منطق خود سامانه، یعنی منطق قدرت برای جلوگیری از رخداد جنگ است. از نظر واقع گرایان تنها راه، بهره گیری از منطق قدرت برای جلوگیری و ممانعت از جنگ است. بازدارندگی به عنوان یکی از مهم ترین سامانه های مدیریت نظم و حفظ امنیت، برآیند این پیش فرض مهم است که قدرت را باید با قدرت مهار کرد. تبدیل قدرت به تهدید و ترس ناشی از آن سبب ممانعت از جنگ می شود. به عبارت دیگر، در این حالت در آستانه جنگ قرار داریم، اما ترس ناشی از آن سبب دوری از آن می شود. بازدارندگی یکی از مهم ترین موضوعات حوزه روابط بین الملل و مطالعات راهبردی محسوب می شود. تهدیدات راهبردی علیه دولت ها، آناشیک بودن سامانه و همچنین تغییر و تحول سامانه بین الملل به سمت پیچیدگی^۲، آشوب^۳، پیش بینی ناپذیری^۴ و غیرخطی بودن^۵ سبب می شود دولت ها برای تحقق امنیت ملی خود سامانه های قدرت محور به ویژه بازدارندگی را طراحی کنند.

از سوی دیگر، سازه^۶ سامانه بازدارندگی متأثر از سازه سامانه بین الملل است. هم زمان با تحول سامانه بین الملل و شکل گیری سامانه های پیچیده و آشوبی^۷، متناسب با این محیط راهبردی جدید، سامانه بازدارندگی نیز با تغییر و تحول روبه رو شده و شکل های نوینی پیدا کرده است. در مقایسه با محیط سامانه های کلاسیک و ساده^۸ در محیط پیچیده و آشوبی جدید،

-
1. War
 2. Complexity
 3. Chaos
 4. Unpredictability
 5. Nonlinear
 6. Structure
 7. Complex and chaotic system
 8. Classic and simple system

نظریه بازدارندگی در سیاست بین‌الملل به‌طور قابل توجهی تغییر کرده است، هرچند بسیاری از اجزاء و عناصر آن هنوز جایگاه و تأثیر خود را حفظ کرده‌اند. لذا بازدارندگی همچنان به‌عنوان رژیم غیررسمی^۱ بر مدیریت نظم منطقه‌ای حاکم است، اما بخش‌های متعدد آن از جمله بخش‌های ماهوی، اجرایی و عملیاتی‌اش تغییر نموده است. به‌عبارتی، نظریه بازدارندگی به‌عنوان ترسیم‌کننده ساخت فیزیکی کنترل منطقه‌ای متحول شده است و به شکل کلاسیک خود قادر به کاربست^۲ آن از سوی سایر واحدهای سامانه بین‌الملل نخواهد بود. لذا بر پایه تغییر و تحولات در سازه سامانه، نیاز به بازسازی مفهومی و نظری بازدارندگی به‌ویژه در حوزه مطالعات منطقه‌ای^۳ ضروری است. از این رو، سؤال اساسی مقاله شکل می‌گیرد که عبارت است از: «تحول سامانه بین‌الملل در قالب سامانه‌های غیرخطی و آشوبی چه تأثیری در سازه فیزیکی^۴ و سازه منطقی^۵ سامانه بازدارندگی خواهد داشت؟». در پاسخ به این پرسش و بر مبنای هدف‌های پژوهش، این فرضیه مطرح می‌شود که «با تحول سامانه بین‌الملل به سمت پیچیدگی و آشوب، سازه منطقی و فیزیکی نظم منطقه‌ای نیز تغییر پیدا کرده است و آشوبناکی، شبکه^۶ و رژیم‌های بین‌المللی^۷ به‌عنوان سازه نوین نظم مطرح می‌شوند». متناسب با این سازه‌ها سامانه بازدارندگی^۸ نیز که تحت تأثیر سازه‌های سامانه قرار دارد، با تغییر و تحول روبه‌رو شده و شکل‌های نوینی از جمله بازدارندگی شبکه‌ای^۹ و بازدارندگی جمعی^{۱۰} پیدا کرده است.

در پاسخ به پرسش یادشده، چند گروه از ادبیات را در حوزه روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای می‌توان مشاهده نمود که عمدتاً به تجزیه و تحلیل بازدارندگی در سامانه‌های ساده و خطی پرداخته‌اند (مرشایمر، ۱۹۸۳؛ زاگاره و کیلگور، ۲۰۰۰؛ هارکاو، ۱۹۹۸؛ هاس و روزت، ۱۹۸۸؛ سیف‌زاده، ۱۳۸۰؛ عسگرخانی، ۱۳۷۷؛ قاسمی، ۱۳۹۲؛ قاسمی، ۱۳۸۸؛ قاسمی، ۱۳۹۱؛

1. Informal regime
2. Apply
3. Regional studies
4. Physical structures
5. Logical structure
6. Network
7. International regimes
8. Deterrence system
9. Network deterrence
10. Collective deterrence

قاسمی، ۱۳۸۶؛ مورگان، ۲۰۰۳؛ مورگان، ۲۰۱۲؛ مورگان، ۲۰۰۶؛ مورگان، ۱۹۸۳؛ مورگان و ویرتز، ۲۰۰۹؛ کویچی، ۲۰۱۶؛ کناپف، ۲۰۱۰). در این راستا، متون موجود پاسخی قانع کننده به این تحولات در سامانه بازدارندگی ارائه ندادند. بنابراین، یکی از خلأهای عمده‌ای که به طور بارز در این ادبیات وجود دارد، عدم توجه به تغییر و تحولات رخ داده در سازه سامانه بین‌المللی و به‌طور کلی، حرکت از سامانه‌های ساده و خطی به سمت سامانه‌های پیچیده و آشوبی است. بنابراین، باتوجه به اینکه در شرایط و تحولات رخ داده در سازه سامانه واحدها با تهدیدات نوینی روبه‌رو هستند، ضرورت دارد که متناسب با این تحولات شکل‌ها و مدل‌های نوین سامانه بازدارندگی بازسازی مفهومی و نظری شوند.

به‌طور کلی، این تحقیق دارای دو هدف نظری و کاربردی است: از لحاظ نظری، بازسازی مفهومی و نظری سامانه بازدارندگی جمعی و شبکه‌ای در سامانه آشوبی است. از نظر کاربردی نیز، پژوهش حاضر به دنبال طراحی روندی نوین برای دستیابی به امنیت برای جمهوری اسلامی ایران منطقه غرب آسیا باتوجه به شرایط خاص ساختاری آن است؛ چراکه منطقه غرب آسیا با تعارض، بی‌ثباتی و آشوب روبه‌روست که این سبب معضل امنیتی^۱ برای واحدهای آن از جمله جمهوری اسلامی ایران که دارای موقعیت راهبردی و کانونی در غرب آسیاست، شده است.

در این چارچوب و در راستای پاسخ به پرسش اصلی و فرضیه مطرح شده، ابتدا، چارچوب نظری و مفهومی پژوهش ارائه خواهد شد. سپس، بازدارندگی کلاسیک^۲ و مدل‌های آن در سامانه‌های ساده و خطی بررسی خواهد شد. در ادامه، بازدارندگی در سامانه‌های آشوبی و پیچیده بازسازی مفهومی و نظری می‌شود. در انتها، بازدارندگی شبکه‌ای و جمعی به‌عنوان دو مدل از بازدارندگی در سامانه‌های آشوبی ارائه می‌شوند.

برای گردآوری داده‌ها نیز از شیوه اسنادی و به‌صورت رجوع به منابع کتابخانه‌ای، کتب، مجلات، مقالات، روزنامه‌ها، اسناد و مدارک، پایگاه داده‌ها، سایت‌های اینترنتی و رسانه‌ها استفاده می‌شود.

1. Security Dilemma
2. Classical Deterrence

روش پژوهش

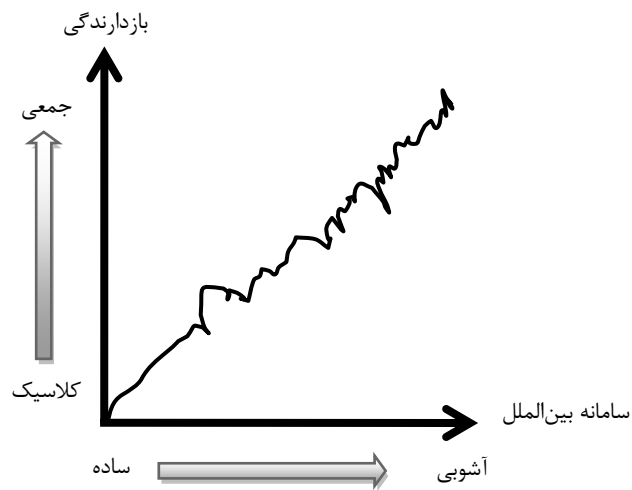
این پژوهش با رویکردی اثبات‌گرایانه به دنبال اثبات رابطه میان متغیرهای پژوهش است. روش نویسنده نیز استفاده از تحلیل آماری دومتغیره است؛ چراکه این روش نمایانگر نوعی رابطه معنی‌دار آماری بین متغیرهای پژوهش است (نیومن، ۱۳۹۴: ۲۴۵).

جدول‌های توصیفی، روش‌های نمایش گرافیکی داده‌ها و مقیاس‌های گرایش به مرکز و پراکندگی داده‌ها اطلاعات مفیدی را افزون‌بر فراوانی و درصد درباره داده‌های کمی به دست می‌دهند، اما، چنانچه بخواهیم تأثیرات احتمالی متغیرها بر یکدیگر را مطالعه کنیم باید از روش‌های تحلیل آماری برای سنجش رابطه یا همبستگی معنی‌دار میان متغیرهای فرضیه که فرض می‌شود بر یکدیگر تأثیر دارند، بهره گرفت. از روش‌های متداول تحلیل آماری نیز ارائه نمودارها^۱، جدول‌های تقاطعی^۲ و مدل‌های توافقی^۳ است (سیدامامی، ۱۳۹۱: ۴۴۵ - ۴۴۶).

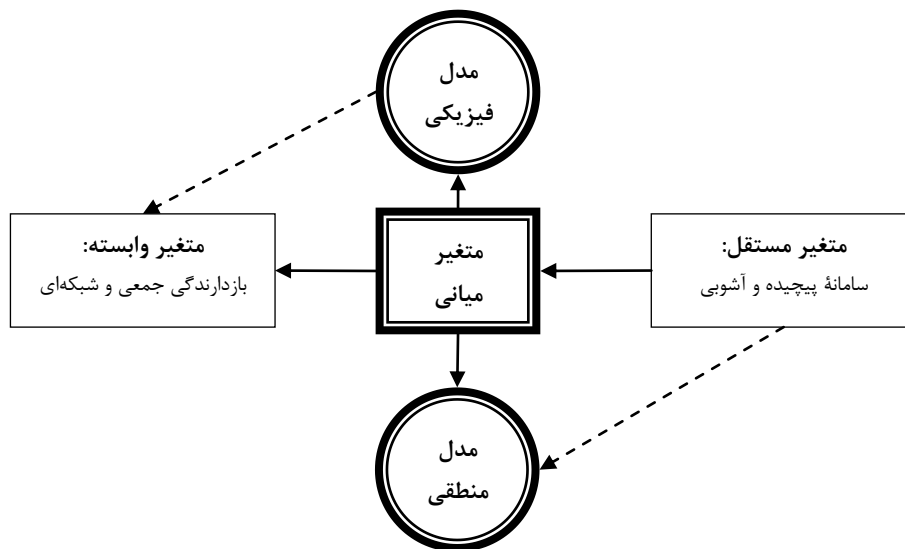
در این پژوهش، سامانه پیچیده و آشوبی و بازدارندگی به ترتیب به عنوان متغیرهای مستقل و وابسته مطرح هستند. فرض بر این است که با پیچیدگی و آشوبی شدن سامانه، بازدارندگی نیز پیچیده و غیرخطی شده است و شکل‌های جمعی در قالب اقدامات چندجانبه و شبکه‌ای پیدا کرده است.

در شکل ۱ به موازات حرکت از سامانه‌های ساده به سمت سامانه‌های پیچیده و آشوبی، سامانه بازدارندگی نیز با پیچیدگی روبه‌رو شده است و شکل‌های نوین بازدارندگی از ماهیت آشوبی و پیچیده برخوردارند. به این صورت که کوچکترین تغییری در سازه سامانه ممکن است به نتایج فاجعه‌بار و غیرقابل پیش‌بینی ختم شود. بنابراین، بازدارندگی تحت تأثیر مستقیم سازه سامانه بین‌الملل قرار دارد؛ چراکه در سامانه‌های ساده، بازدارندگی نیز از ماهیت خطی برخوردار بود، اما با تغییر سامانه بین‌الملل به سمت آشوبناکی، بازدارندگی نیز ماهیت غیرخطی و پیچیدگی پیدا کرده است.

-
1. Diagram
 2. Crosstabulations
 3. Contingency Model



شکل ۱. نمودار رابطه متغیرهای پژوهش



شکل ۲. رابطه متغیرهای پژوهش

چارچوب نظری

یکی از حوزه‌های اصلی در علم روابط بین‌الملل و به‌طورخاص مطالعات راهبردی، موضوع طراحی سامانه‌های کنترل و مدیریت نظم منطقه‌ای است. به‌عبارت‌دیگر، درقالب یک سامانه، واحدها به‌منظور تداوم و بهینه‌سازی خود نیازمند عنصری تحت عنوان مدیریت و کنترل نظم هستند. از عناصر مدیریت و کنترل نیز سامانه بازدارندگی است. اما موضوع مهم در ارتباط با بازدارندگی، طراحی سامانه بازدارندگی است. اینکه چرخه طراحی سامانه بازدارندگی در روابط بین‌الملل چگونه تبیین خواهد شد؟ طراحی سامانه بازدارندگی و چرخه آن از تشخیص نیازها آغاز می‌شود و نیازمند طراحی ابتدایی دو مدل منطقی و فیزیکی است.

بازدارندگی در کنار جنگ، از موضوعات مهم مطالعات راهبردی است. بنیان تفکر نظری در زمینه بازدارندگی پاسخ به این پرسش است که چگونه می‌توان از بروز جنگ که سبب‌ساز تحمیل هزینه‌های زیادی بر واحدها خواهد شد، جلوگیری به‌عمل آورد؟ پاسخ به چنین پرسشی، به شکل‌گیری مفهوم نظری بازدارندگی منجر خواهد شد. بازدارندگی همان‌طورکه ذکر شد از دو مدل منطقی و فیزیکی برخوردار است. در مدل منطقی تعریف اصول و مبانی نظری مطرح خواهد شد (Keaney, 2006: 3_4).

مدل منطقی دربرگیرنده اصول بنیادین و قواعد ماهوی زیربنای سامانه بازدارندگی است. اینکه مبانی نظری پایه و مهم برای شکل‌گیری بازدارندگی کدام است؟ در حوزه روابط بین‌الملل، مدل‌های منطقی براساس چارچوب‌های (الگوهای)^۱ حاکم بر حوزه نظری مذکور شکل می‌گیرند. چارچوب‌ها (پارادایم‌ها) بیانگر ماهیت حوزه، نیروهای بنیادین، اهداف و کارگزاران اصلی است. براساس چارچوب‌ها (پارادایم‌ها) درقالب مدل منطقی اصول، ارزش‌ها، هنجارها، راهبردها و رویه‌ها را در تبیین پدیده‌های روابط بین‌الملل ارائه می‌نماید. به‌عبارتی، مدل‌های منطقی براساس چارچوب‌های (پارادایم‌های) موجود، قواعد موجود و نیروهای بنیادین و مؤلفه‌های اساسی را که باید در طراحی مدل‌های فیزیکی مدنظر قرار داد و برای تحقق آنها کوشید، نشان می‌دهند (قاسمی، ۱۳۹۱ الف: ۲۴۲).

1. Paradigm

سامانه بازدارندگی مدل منطقی آن براساس، چارچوب (پارادایم) واقع‌گرایی سامان می‌یابد. مبنای منطقی سامانه مذکور بر این واقعیت بنا شده است که به‌دلیل آنارشی، حاکمیت وضع طبیعی و حاکمیت اصل منافع، الگوهای رفتاری هر بازیگر علیه بازیگران دیگر ساماندهی شده است. ازسوی دیگر در اتخاذ رفتارهای خود، براساس اصل محاسبه سود و هزینه عمل کرده و به‌عبارتی، اصل عقلانیت بر رفتارهای آنان حاکم است. به‌همین جهت، در صورتی که هزینه اقدام افزایش یابد، ضرورتاً واحد از به‌کارگیری و اتخاذ الگوهای رفتاری نامناسب خودداری می‌نماید و علاوه بر آن نفس پیش‌بینی نتایج اقدام، بر نوع رفتار و الگوهای رفتاری آنان تأثیرگذار خواهد بود.

بازدارندگی علاوه بر مدل منطقی، دارای مدل فیزیکی خاصی است. پیش فرض اساسی مدل فیزیکی این است که محیط بر واحدها، کنش متقابل بین آنها، الگوهای رفتاری و ساماندهی الگوهای رفتاری تأثیر می‌گذارد. اساساً، سامانه کنترلی از جمله بازدارندگی نیز تحت تأثیر محیط و سازه محیطی شکل می‌گیرد. بنابراین، با تغییر و تحول سازه محیطی، سامانه کنترلی بازدارندگی نیز با تغییر و تحول روبه‌رو می‌شود. مدل فیزیکی در واقع چارچوب اقدام برخاسته و منبث از مدل منطقی و پیش‌فرض‌های ناشی از آن است. برای مثال، وقتی چارچوب نظری واقع‌گرایی و نظریه‌های برخاسته از آن باشد، مدل فیزیکی (چارچوب اقدام) ارائه شده و منتج از آن نیز در چارچوب دستیابی، حفظ و افزایش قدرت برای بقای واحدها تعریف می‌شود و سازوکارهای آن از جمله بازدارندگی، موازنه قدرت و غیره نیز گویای این واقعیت خواهد بود.



شکل ۳. مدل منطقی و فیزیکی

بازدارندگی در سامانه‌های پیچیده و آشوبی

در سامانه بازدارندگی، نظم براساس اعتقاد رهبران کشورها به این گزاره حفظ خواهد شد که هزینه حمله و تهاجم بسیار سنگین‌تر از سودی است که آنها به دست خواهند آورد. متغیر

مهم در سامانه بازدارندگی توانایی و اراده تلافی^۱ است یعنی در صورت رخداد اقدامات نامطلوب از سوی واحد مهاجم واحد مدافع توانایی و اراده تلافی را داشته باشد. بنابراین، مهم‌ترین وظیفه رهبران و راهبردهناسان نظامی، افزایش توان نظامی و جنگی برای نشان دادن قدرت و اراده تلافی است تا تهدیدات بازدارنده را تقویت نمایند (Wirtz, 2004: 388).

به‌همین سبب، بازدارندگی در روابط بین‌الملل به‌عنوان سامانه‌ای فرض می‌شود که در جهت مدیریت الگوهای رفتاری سامانه منطقه‌ای و همچنین ایجاد پوشش حفاظتی به‌منظور امکان پذیرسازی حرکت‌های راهبردی در حوزه سیاست خارجی به‌کار گرفته می‌شود. همان‌طور که قبلاً نیز گفته شد، سامانه مذکور خود براساس منطق و ساخت فیزیکی خاصی شکل می‌گیرد که به‌عنوان مدل‌های منطقی و فیزیکی بازدارندگی از آن یاد می‌شود. در این بخش با توجه به مدل منطقی و فیزیکی نامبرده، نظری سامانه بازدارندگی در سامانه بین‌المللی آشوبی و پیچیده، مدل‌سازی می‌شود. به این صورت که ابتدا براساس، مدل منطقی به تبیین مبانی نظری و پیش‌فرض‌های آن به‌عنوان زیربنای نظری سامانه بازدارندگی می‌پردازیم. سپس در مدل فیزیکی به تبیین سازه محیطی منتج از مدل منطقی در شکل‌گیری سامانه بازدارندگی می‌پردازیم. اینکه سازه محیطی در شرایط نوین از چه ویژگی‌ها و شاخص‌هایی برخوردار است؟ واحدها و الگوهای رفتاری آنها به چه صورت است؟ چه تأثیری بر ساماندهی الگوهای رفتاری در شرایط نوین گذاشته است؟ مطابق با چارچوب نظری تحقیق، طراحی هر سامانه‌ای نیازمند دو مدل منطقی و فیزیکی است. در ادامه براساس، این چارچوب اقدام به بازسازی مفهومی و نظری بازدارندگی در سامانه بین‌المللی پیچیده و آشوبی می‌کنیم.

مدل منطقی بازدارندگی

اصول و مبانی سامانه بازدارندگی ریشه در واقع‌گرایی دارد؛ چراکه قدرت محوری در سامانه را می‌پذیرد و پیش‌فرض آن نیز مهار قدرت با قدرت است. مطابق با نظر واقع‌گرایان، مهم‌ترین اصل در سامانه بین‌المللی هرج و مرج (آنارشی)^۲ و فقدان اقتدار عالی است. هرج و مرج (آنارشی) سامانه‌ای است که آن را سامانی از بی‌نظمی هدایت می‌کند و از این حیث، فاقد

1. Retaliation
2. Anarchy

قدرت فائقه برای برقراری امنیت و ایجاد نظم در سامانه بین‌الملل است (مشیرزاده، ۱۳۹۵: ۹۰ - ۹۵).

چنین محیط راهبردی‌ای، در سامانه معمای امنیتی را برای واحدها مطرح خواهد کرد؛ چراکه با فقدان اقتدار و حکومت مرکزی در سامانه بین‌الملل هیچ مرجع نهایی که تأمین‌کننده امنیت برای واحدها باشد، وجود ندارد. بنابراین، فقط می‌توان به توانایی خود تکیه کرد و اصل خودیاری در سامانه حاصل خواهد شد که در آن، هر واحدی مسئول حفظ امنیت خود است. باتوجه به سه اصل ذکرشده منطقی‌اً اصل چهارم قدرت‌محوری در سامانه شکل خواهد گرفت. در محیط هرج‌ومرج (آنارشیک) سامانه بین‌الملل همه واحدها برای دفاع از خود به دنبال افزایش توانایی‌های بالقوه خود در مقایسه با دشمنان خود هستند (Morgenthau, 1985: 32_33).

از نظر واقع‌گرایان احتمال وقوع جنگ همواره وجود دارد و هیچگاه به میزان آرام‌بخشی تنزل نمی‌کند، تنها قدرت است که می‌تواند از خطر احتمال وقوع جنگ توسط حریف جلوگیری نماید و در صورت وقوع جنگ مانع شکست در آن شود. به‌طور کلی، از بعد مدل منطقی، بازدارندگی از بنیان‌های نظری مهم زیر برخوردار است که عبارتند از:

- نظریه ساختاری بازدارندگی؛

- نظریه بازیگر خردمند؛

نظریه ساختاری بازدارندگی

در نظریه ساختاری بازدارندگی، برابری قدرت و بالابودن هزینه جنگ بین واحدهای رقیب مانع رخداد جنگ خواهد شد (قاسمی، ۱۳۹۰: ۳۷۴). در نظریه ساختاری بازدارندگی این اصل پذیرفته شده است که برابری قدرت، همراه با هزینه بالا و ترس از جنگ، مانع شکل‌گیری الگوهای رفتاری نامطلوب طرفین خواهد شد و در نتیجه ثبات سامانه را در پی دارد. از سوی دیگر، عدم تقارن قدرت، سبب‌ساز جنگ و بحران می‌باشد. در همین راستا، در نظریه ساختاری، گسترش سلاح‌های کشتار جمعی امری مطلوب برای نظم سامانه تصور می‌شود. بنابراین، اصل در ثبات سامانه برابری قدرت همراه با هزینه بالای جنگ است. مطلوبیت سلاح‌های کشتار جمعی نیز به دلیل نقش آنها در بالابردن هزینه هرگونه جنگ و اقدام نظامی

است؛ چراکه در صورت وقوع جنگ هزینه جنگ برای طرفین فاجعه‌بار خواهد بود و حتی بقای طرفین درگیر در جنگ تحت‌الشعاع قرار خواهد گرفت.

نظریه بازیگر خردمند

در نظریه‌های بازدارندگی مبتنی بر الگوی بازیگر خردمند، عقلانیت و خرد بازیگران عامل بازدارنده از جنگ است (سلیمانی، ۱۳۹۰: ۳۳۱). تصمیم‌گیری عقلانی بر این فرض استوار است که تصمیم‌گیر در اتخاذ تصمیم از قانون هزینه - فایده تبعیت می‌کند. محاسبه هزینه - فایده اساس اقدام واحدها در سامانه بین‌الملل است؛ چراکه فرض بر این است که واحدها موجودیتی عقلانی و محاسبه‌گر هستند. به این صورت که اگر هزینه اقدام موردنظر از سود آن بیشتر باشد، اقدام عقلانی، کنار گذاشتن آن اقدام است. برای مثال، اگر کشوری به این نتیجه برسد که طبق قاعده هزینه - فایده، هزینه اقدام نظامی علیه کشور هدف بسیار بیشتر از منفعت آن است، مسلماً اقدام عقلانی کنار گذاشتن اقدام پرهزینه مورد نظر است.

مدل فیزیکی بازدارندگی

در مدل فیزیکی همان‌طور که گفته شد مهم‌ترین اصل ساخت‌شناسی سازه سامانه است. اینکه ساخت محیطی منطقه دارای چه الزاماتی است؟ محیط از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؟ الگوی رفتاری واحدها به چه صورت است؟ و در نهایت ساماندهی الگوهای رفتاری واحدها چگونه است؟ پاسخ به سؤالات یادشده مستلزم ساخت‌شناسی سامانه است؛ چراکه سامانه بازدارندگی براساس مختصات محیطی سامانه طراحی می‌شود. در این راستا، مهم‌ترین شاخص‌های سامانه بین‌الملل نوین به قرار زیر است:

- پیچیده و آشوبی بودن سامانه؛

- شبکه سازه نوین سامانه؛

- رژیم‌های بین‌المللی و چندجانبه‌گرایی؛

پیچیده و آشوبی بودن سازه سامانه

هنگامی سامانه پویا محسوب می‌شود که سازه آن تحت تأثیر کارکرد نیروهای ژرف سامانه‌ای (فناوری، اقتصاد، قدرت و فرهنگ) متحول شده است. یکی از مهم‌ترین تحولات، اهمیت و شدت یافتن ارتباطات در درون سامانه بین‌المللی است. این تحول مرزبندی‌های

کلاسیک سامانه را تغییر داده و عناصر نوینی را وارد عرصه تحلیلی کرده است. تحول سامانه بین‌الملل سبب شکل‌گیری سامانه‌هایی از نوع پیچیده و آشوب شده است. این سامانه نوین برخلاف سامانه کلاسیک، غیرخطی است که به‌همین جهت دارای واحدها، الگوریتم‌ها، مرزها و کنش‌های مقابل و راهبردی است (قاسمی و اکبرآبادی، ۱۳۹۲: ۹۵).

در سامانه‌های آشوبناک، گرچه تمامی پدیده‌ها ظاهری تصادفی داشته، اما در واقع، تابع قواعد بسیار پیچیده‌ای هستند. به‌عبارت‌دیگر، سامانه‌های آشوبناک دینامیکی غیرخطی و غیرقابل‌پیش‌بینی هستند که نسبت به شرایط اولیه‌شان بسیار حساسند. تغییر اندک در شرایط اولیه چنین سامانه‌هایی باعث تغییرات بسیار در آینده خواهد شد. این پدیده به اثر پروانه‌ای^۱ مشهور است (کرم، ۱۳۸۹: ۷۰).

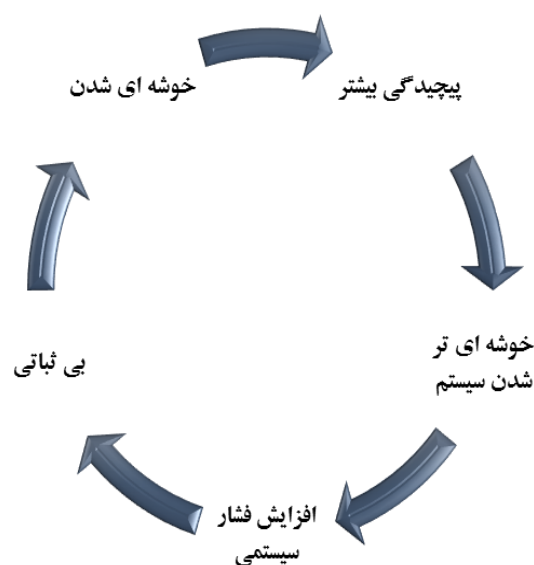
سامانه‌های پیچیده و آشوبی دارای مدل منطقی خاصی هستند که دارای کاربرد عملی در تحلیل مسائل نظم منطقه‌ای می‌باشند. به‌طورکلی، سامانه آشوبی و پیچیده، سامانه‌ای است که در آن طیف متنوعی از بازیگران فعالند و با وجود کنش‌گری انحصاری دولت‌ها اما سایر کنش‌گران دیگر مانند سازمان‌های جهانی، گروه‌های تروریستی، افراد و غیره نیز حضور فعال دارند، الگوی ارتباطات و پیوندهای موضوعی برقرار است، سازه شبکه‌ای و اصل وابستگی حساس در سامانه جاری است و دائماً در وضعیت حساس قرار می‌گیرد، به‌گونه‌ای که کوچکترین تغییر می‌تواند فاجعه‌بار باشد. گسترش نظم‌های منطقه‌ای، حضور فعال قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در نظم‌های منطقه‌ای و سایر بازیگران منطقه‌ای در تحولات جهانی، کارکرد فعال و پیچیده فناوری‌ها، عدم‌تقارن، تعدد نقاط تعادل و آنارشیک‌بودن از شاخص‌های بارز سازه محیطی سامانه‌های آشوبناک است.

سامانه‌های آشوبناک مدل نوینی برای تحلیل مسائل مهم منطقه‌ای فراهم می‌سازند که مهم‌ترین آنها شاخه‌ای شدن نظم در منطقه، اصل وابستگی حساس و نظم منطقه‌ای و اصل مکان‌های فازی در منطقه است.

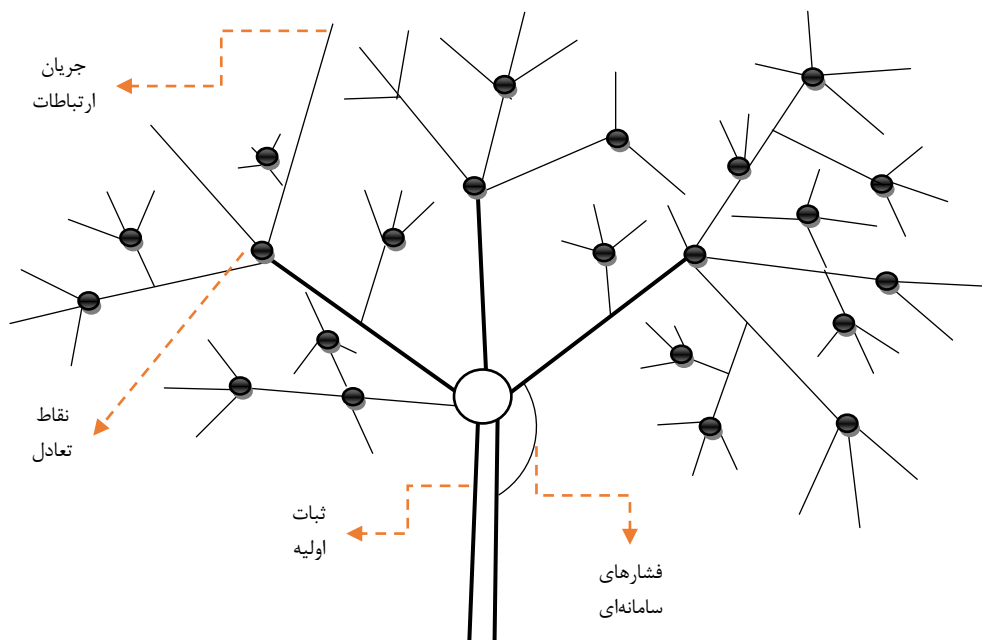
اولین اصل در سامانه‌های پیچیده و آشوبی، شاخه‌ای شدن نظم در منطقه است. در سامانه بین‌الملل نوین مناطق تحت تأثیر فشارهای سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی و فرایندهای

1. Butterfly effect

مختلف از محیط درونی و بیرونی منطقه است. توان مقاومت منطقه در برابر این فشارهای وارده به‌عنوان یک عامل تعیین‌کننده در شاخه‌ای شدن نظم منطقه محسوب می‌شود. در صورت شکست منطقه در برابر چنین فشارهایی، نظم منطقه‌ای به‌سوی شاخه‌ای شدن حرکت خواهد کرد و نقاط تعادلی متمایز و نوینی به‌وجود می‌آیند و تعدد نقاط تعادلی نیز در منطقه به‌وجود می‌آید. در سامانه‌های پیچیده و آشوبی خوشه‌های متعدد نظم داریم، مهم‌ترین دینامیک در این سامانه ارتباطات و دنیای سامانه‌های پیچیده و آشوبی دنیای ارتباطات است (قاسمی، ۱۳۹۱: ۱۳۳). بنابراین، هرچه پیچیده‌تر باشد، خوشه‌ای‌تر می‌شود و فشار بیشتر می‌شود و به بی‌ثباتی منجر می‌شود و بی‌ثباتی نیز به خوشه‌ای شدن بیشتر منجر می‌شود.



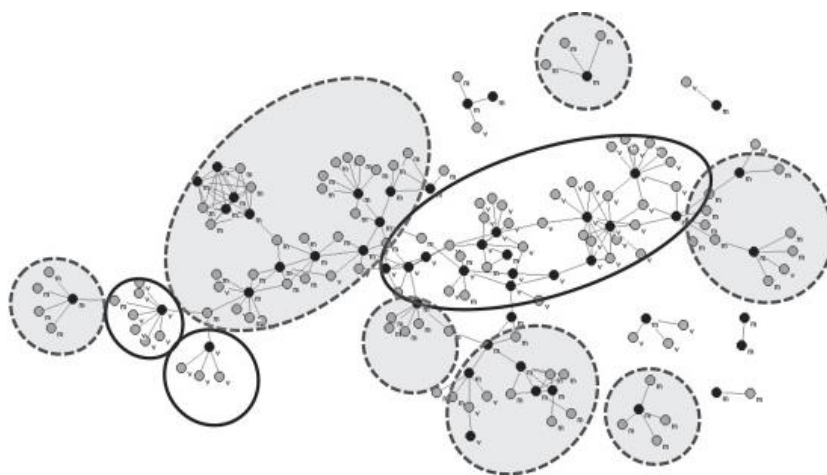
شکل ۴. رابطه چرخه‌ای پیچیدگی سامانه و خوشه‌ای شدن آن



شکل ۵. شاخه‌ای شدن سامانه بر اثر فشار

همان‌طور که در شکل مشخص است با افزایش فشار به سامانه بر اثر کارکرد نیروهای ژرف، سامانه از سادگی و خطی بودن اولیه خارج شده است و به سمت شاخه‌ای شدن سیر کرده است. به عبارت بهتر، شاخه‌ای شدن سامانه راهی برای خروج از فشارهای وارده است. هر قدر که فشار بیشتر باشد، ما شاخه‌های بیشتری را در سامانه داریم. به همین ترتیب، نقاط تعادلی متعددی نیز در سامانه شکل می‌گیرد. در هر کدام از این نقاط تعادل سامانه به ثبات می‌رسد. اگر این مدل مبنایی برای تبیین نظم‌های منطقه‌ای باشد، باید گفت با افزایش فشارهای مختلف جهانی و درونی نظم‌های منطقه‌ای نیز تاب خود را از دست داده و به خوشه‌ها و زیرمجموعه‌های مختلفی تقسیم شده‌اند. در حال حاضر، ما شاهد تنوع و تکثر نظم‌های منطقه‌ای هستیم. موضوعی که ابعاد مختلف سامانه از جمله سامانه‌های کنترلی - بازدارندگی - را نیز تحت تأثیر قرار داده است؛ چراکه این سامانه‌ها با توجه به شرایط محیطی منطقه‌ای و بین‌المللی شکل می‌گیرند. برای مثال، شبکه غرب آسیا نیز به تبعیت از تحولات رخ داده در نظام بین‌الملل

و همچنین شرایط و ویژگی‌های خاص خود با پیچیدگی و آشوب روبه‌روست. در غرب آسیا به دلیل فشارهای ناشی از پیچیدگی و آشوب، نظم شاخه‌ای است. شاخه‌های خلیج فارس، شامات، مکران، خوشه جنوب، خوشه آسیای میانه، خوشه شانگهای و خوشه قفقاز از مصادیق این شاخه‌ای شدن نظم در شرایط آشوب منطقه است. به عبارت دیگر، محیط بر اثر فشار شاخه‌ای شده است و خرده‌نظم‌های فراوانی در محیط منطقه ایجاد شده است که هرکدام نیز نقاط تعادل خاص خود را دارند.



شکل ۶. نمودار خوشه‌ای شدن بر اثر فشارهای ناشی از پیچیدگی و آشوب و تعدد نقاط تعادل در سامانه

شرایط ناشی از پیچیدگی و آشوب از این جهت اهمیت دارد که سبب فشارهای فزاینده بر کشورها، تنوع الگوی تهدیدات، تنوع الگوهای کنترل و تنوع الگوهای جنگ می‌شود. شرایط ناشی از پیچیدگی و آشوب سبب تحول در ماهیت هرکدام از مباحث بالا می‌شود.

مدل وابستگی حساس^۱ به‌عنوان دومین اصل سامانه‌های پیچیده و آشوبی به‌صورت روشنی بر نظم منطقه‌ای و تبیین آن اثرگذار است. رابرت کوهن^۲ و جوزف نای^۳ پیشگامان این مکتب

1. Sensitive dependency
2. Robert Keohane
3. Joseph Nye

محسوب می‌شوند. وابستگی متقابل در قالب مفاهیم حساسیت^۱ و آسیب‌پذیری^۲ تعریف می‌شود (Kehone and Nye, 1977: 734).

ریچارد روزکرانس^۳ وابستگی متقابل را نوعی سامانه می‌داند که در سامانه بین‌الملل نوین و در قالب مدل وابستگی حساس، نسبت به شرایط اولیه‌شان بسیار حساسند. تغییراتی اندک در شرایط اولیه چنین سامانه‌هایی باعث تغییرات بسیار در آینده خواهد شد. در این سامانه وجود حداقل یک متغیر، تغییرات زیادی را در نظم منطقه‌ای و رفتن به سمت نقطه تعادلی جدید ایجاد می‌نماید (Rosecrance et al, 1977: 425).

مهم‌ترین نقش الگوی وابستگی حساس در نظم‌های منطقه‌ای شکل‌دهی و کارکرد آن در راستای بازدارندگی است. به این صورت که با فعال‌شدن دینامیک ارتباطات در سامانه، واحدهای منطقه‌ای از طریق کانال‌های ارتباطی به یکدیگر متصل می‌شوند. در این وضعیت حساسیت و آسیب‌پذیری در سامانه گسترش خواهد یافت و کوچکترین تکانه‌ای در سامانه تمام واحدهای منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار خواهد داد. بنابراین، وابستگی حساس را می‌توان به‌عنوان پیوند مستقیم منافع واحدها در سامانه تعریف کرد که تغییری اندک در موقعیت هر کدام از واحدها، سایر واحدها را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد. در این پژوهش وابستگی در گسترده‌ترین شکل آن یعنی وابستگی چندجانبه در نظر گرفته می‌شود. همچنین حساسیت ناشی از وابستگی صرفاً محدود به حوزه موضوعی اقتصاد نمی‌شود، بلکه در شکل گسترده آن سایر حوزه‌های موضوعی مانند امنیت، سیاست و فرهنگ را نیز دربرمی‌گیرد. همان‌طور که گفته شد کارکرد وابستگی در راستای ایجاد بازدارندگی زمانی است که از طریق کانال‌های ارتباطی در حوزه‌های موضوعی گوناگون و ایجاد پیوند موضوعی، حساسیت ناشی از وابستگی همچون تار عنکبوت در تمامی سامانه و زیرمجموعه‌های آن گسترش پیدا کند.

سومین اصل در سامانه‌های پیچیده و آشوبی اصل مکان‌های فازی می‌باشد. نظم‌های منطقه‌ای فقط در قالب مکان‌های فازی خاص هر منطقه قابل تحلیل می‌باشد. هر منطقه دارای

-
1. Sensitivity
 2. Vulnerability
 3. Richard Rosecrance

مکان فازی معینی است. اولین مکان فازی در سامانه منطقه‌ای، نقطه‌ای است که سامانه رفتار تعارضی در قالب جنگ از خود نشان می‌دهد. مکان دوم فازی، نقطه‌ای است که سامانه رفتار خود را در قالب الگوی چندجانبه‌گرایی و همکاری تعریف می‌کند. در سامانه به سبب تغییر و تحول ساختاری چرخه سامانه‌ای قدرت، مکان‌های فازی متعددی در سامانه منطقه‌ای شکل خواهد گرفت (قاسمی، ۱۳۹۱: ۱۵۲).

به‌طور کلی، سامانه جهانی نوین در قالب سامانه‌های پیچیده و آشوب قابل بررسی است. سامانه پیچیده مجموعه‌ای از کارگزارانی است که از نقطه تعادلی فاصله دارند و از طریق بازخوران‌های^۱ مثبت و منفی با یکدیگر در تعامل بوده و بهم وابسته می‌باشند و ضمن پویایی، به صورت شبکه‌های تکاملی متجلی می‌شوند. علاوه بر آن به صورت هندسی مشخص سامان یافته‌اند و رفتارهای آنها ناگهانی و تغییرات آنها دفعی است و در نهایت اینکه از قانون توزیع قدرت پیروی می‌کنند.

دیدگاه شبکه

در سامانه بین‌الملل نوین شبکه‌ها به‌عنوان اجزای اصلی جایگزین منطقه در قالب سنتی آن شده‌اند. به عبارت دیگر، اگر در سامانه‌های کلاسیک اصل بر جغرافیا و همجواری جغرافیایی به‌عنوان مهم‌ترین متغیر شکل‌دهنده به مناطق بود. امروزه اصل بر ارتباطات و ارتباط محوری است. دیگر عنصر جغرافیا نقش اصلی و تعیین‌کننده‌ای ایفا نمی‌کند بلکه، دینامیک ارتباطات بر فواصل جغرافیایی غلبه کرده و با شکل‌دادن به خوشه‌های مختلف از طریق کانال‌های ارتباطی سبب کم‌اهمیت‌تر شدن نقش سرزمین در منطقه‌گرایی شده است (Katzenstein, Boas et al, 1999, 1996, 2004).

از آنجاکه بازدارندگی منطقه‌ای^۲ و مدل‌های آن در قالب سنتی منطقه‌گرایی، بر اساس اجزاء و حوزه‌های تشکیل‌دهنده منطقه شکل می‌گیرد. بنابراین، به دنبال این موضوع، بازدارندگی علاوه بر بعد منطقه‌ای از ویژگی شبکه‌ای نیز برخوردار شده است. دینامیک ارتباطات از مهم‌ترین دینامیک‌های سامانه بین‌الملل نوین است. این دینامیک سازه خاصی به سامانه

1. Feedback
2. Regional deterrence

بین‌الملل می‌دهد و آن سازه شبکه‌ای است. شبکه براساس منظومه ارتباطات در سامانه تعریف می‌شود. به عبارت دیگر، شبکه، سازه‌ای فیزیکی است که از مجموعه‌ای از واحدها و خوشه‌ها که چگالی ارتباطی مشخص و متمایزی را از محیط پیرامون به نمایش می‌گذارند، تعریف می‌شود. دیدگاه شبکه‌ای مجموعه روابط و پیوستگی‌های پایدار را در زمره عواملی می‌دارند که سامانه براساس آنها شکل گرفته و لایه‌بندی می‌شود. شبکه‌ها، شکل‌بندی نوینی به مجموعه عناصر با ویژگی‌های زمانی و مکانی خاص می‌بخشند که تاحدودی بازتاب انواع روابط ایجاد می‌دهد و چارچوب مشترک ارجاعی محسوب می‌شوند. تجزیه و تحلیل شبکه‌ای، رهیافت نوینی است که شرح منظم روابط متقابل و روابط میان واحدها را امکان‌پذیر می‌سازد. در برخی سطوح سامانه، روابط متقابل را نشان می‌دهد در سطح دیگر توصیف سامانه‌های فرعی و تابعه را امکان‌پذیر می‌سازد و در برخی سطوح نیز مقایسه گروه‌های فرعی موجود در سامانه را نشان می‌دهد (Hafner et al, 2008: 561).

شبکه‌ها و نگرش شبکه‌ای در راستای بازدارندگی منطقه‌ای دارای اصول اساسی زیر می‌باشد:

- ارتباط محوری: سامانه نوین جهانی ارتباط محور می‌باشد و مفهوم ارتباطات به عنوان مفهومی زیربنایی محسوب می‌شود؛
- نحوه توزیع ارتباطات: سبب شکل‌گیری مرزبندی‌های سامانه و شبکه‌های متمایز در درون سامانه خواهد شد؛
- وابستگی متقابل رفتارها: رفتارهای گره‌ها یا حلقه‌های سامانه به صورت متقابل به یکدیگر وابسته‌اند و خودمختار نمی‌باشند؛
- ارتباط بین حلقه‌ها: شبکه ارتباط بین حلقه‌ها و مجموعه‌ای از گره‌ها را با مجموعه‌ای از حلقه‌های دیگر امکان‌پذیر می‌کند؛
- پیوند بین گره‌ها: این پیوند امکان انتقال داده‌ها اعم از مادی و غیرمادی را بین شبکه‌ها و گره‌ها فراهم می‌سازد.
- روابط متقابل شبکه‌ها: بین شبکه‌ها روابط متقابل در قالب ساختاری و هم رابطه‌ای برقرار است.

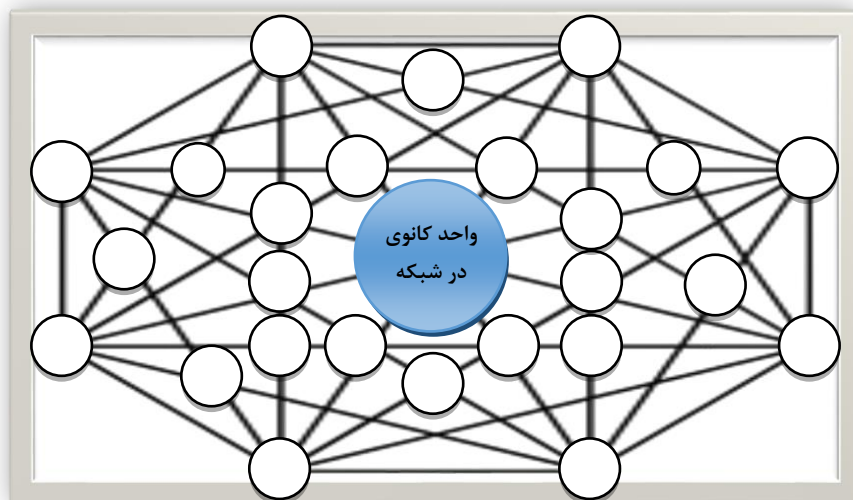
اصولاً در دیدگاه شبکه‌ای، جهان متشکل از سامانه‌های پویایی است که از ویژگی غیر خطی برخوردارند، این سامانه‌ها بسیاری از عناصر درحال تعامل با یکدیگر را در درون خود جای داده‌اند (قاسمی، ۱۳۹۰: ۱۴۷).

ساخت شبکه‌ای در سامانه بین‌الملل براساس نوع توزیع قدرت در شبکه و همچنین تراکم و چگالی ارتباطات بین حلقه‌ها شکل می‌گیرد. در دیدگاه شبکه‌ای آنچه مهم است الگوی توزیع ارتباطات درون سامانه بین‌الملل است. الگوی توزیع ارتباطات در سامانه یکسان نمی‌باشند و حجم، تکرار و چگالی آن در نقاط مختلف سامانه متفاوت است. همین عدم یکسانی الگوی توزیع ارتباطات باعث شکل‌گیری نظم‌های منطقه‌ای می‌شود. در شبکه‌های منطقه‌ای مرز جغرافیایی اهمیتی ندارد؛ درحالی‌که در دیدگاه کلاسیک مناطق براساس همجواری جغرافیایی به‌وجود می‌آیند (قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۰۸).

استدلال «کارل دویچ» نیز مبتنی بر نقش و اهمیت دینامیک ارتباطات در شکل‌گیری مناطق و شبکه‌های منطقه‌ای است، استدلال اصلی او این بود که با تراکم و چگالی بیشتر ارتباطات و مبادلات اجتماعی میان افراد در دوره‌های طولانی زمانی، اجتماعات جدیدی بر مبنای هویتی مشترک شکل می‌گیرد. «دویچ» در آثار خود به اهمیت و نقش ارتباطات بین مردم اشاره داشت. از نظر «دویچ» آنچه مرز جغرافیایی مناطق مختلف را مشخص می‌کند، خطوط ترسیمی جغرافی دانان روی نقشه نیست، بلکه افزایش و کاهش چگالی دینامیک ارتباطات است که مرز را مشخص می‌کند. مرز جایی است که چگالی ارتباطات به پایین‌ترین سطح خود می‌رسد (deutsch, 1979: 18).

اهمیت شبکه‌ها و سازه شبکه‌ای در بحث بازدارندگی منطقه‌ای به این صورت است که درحال حاضر شبکه‌ها جایگزین مفهوم منطقه در قالب سنتی آن شده‌اند. اهمیت این موضوع بدین جهت است که سامانه بازدارندگی منطقه‌ای و راهبردهای آن پیوند مستقیمی با سازه محیطی سامانه بین‌الملل منطقه‌ای و جهانی دارد. بنابراین، با مطرح‌شدن مفهوم شبکه‌ها بازدارندگی نیز تحت همین شرایط با تغییر و تحول روبه‌رو شده است. طبق این شرایط بازسازی مفهومی و نظری بازدارندگی در چنین شرایطی از ضرورت اساسی برخوردار است. به‌طورکلی، سازه شبکه تحت تأثیر فعال‌شدن دینامیک ارتباطات در سامانه آشوبی شکل گرفته

است. ارتباطات و کانال‌های ارتباطی، سبب پیوند شبکه‌ها شده است و در نهایت روابط متقابل و وابستگی درون‌شبکه‌ای را سبب می‌شود.



شکل ۷. گره خوردن شبکه منطقه‌ای از طریق پیوند موضعی به یکدیگر در شبکه‌های منطقه‌ای واحدهای برخوردار از موقعیت کانونی در شبکه به دلیل توانایی در کنترل جریان‌های ارتباطی در شبکه‌ها توانایی ایجاد بازدارندگی شبکه‌ای را دارند.

رژیم‌های بین‌المللی و چندجانبه‌گرایی

از نظر «پارتریک مورگان» ما در حال حاضر با یک سامانه بین‌الملل نوین جهانی و منطقه‌ای روبه‌رو هستیم که در آن مدیریت امنیت، نیازمند اقدام جمعی برجسته واحدها خواهد بود. از جمله ابزارهای مدیریت امنیت در قالب اقدام جمعی نیز رژیم‌های بین‌المللی است (Morgan, 2012: 94).

رایج‌ترین تعریف از رژیم‌های بین‌المللی را «استفن کراسنر»^۱ ارائه داده است (رژیم‌ها به معنای اصول^۲، قواعد^۳، هنجارها^۴ و رویه‌های تصمیم‌گیری^۵ است که انتظارات کنش‌گران

1. Stephen D. Krasner
2. Principles
3. Rules
4. Norms
5. Decision-Making Procedures

حول محور آنها در یک حوزه موضوعی خاص به هم نزدیک می‌شود) (Krasner, 1981: 186). رژیم‌های بین‌المللی با اعتمادسازی بر بزرگترین مانع همکاری میان دولت‌ها یعنی بی‌اعتمادی فایق خواهند آمد. همچنین، انتظارت بازیگرانی را که منافع مشترکی در همکاری دارند، به هم نزدیک می‌کند و باعث شکل‌گرفتن منافع مشترک سامانه‌ای می‌شود (Nye, 1987: 372_374).

این مهم به این دلیل اهمیت دارد که مهم‌ترین مانع بر سر راه همکاری دولت‌ها بی‌اعتمادی آنها به یکدیگر در نتیجه عدم اطلاع از نیات و اهداف یکدیگر است. کارکرد اساسی رژیم‌های بین‌المللی تبادل اطلاعات میان واحدهای عضو رژیم است و از این طریق بر معضل بی‌اعتمادی میان دولت‌ها فائق خواهند آمد.

به‌طور کلی، رژیم‌های بین‌المللی، محصول واقعیت‌های سامانه بین‌الملل هستند. بنابراین، شکل‌گیری و کارکرد آنها وابسته به متغیرهایی است که در محیط عملیاتی آنها وجود دارد. با طرح معمای امنیت و قدرت در سامانه بین‌الملل و ویژگی‌های ماهوی سامانه بین‌الملل مانند پیچیدگی و آشوبی‌شدن همراه با شبکه‌ای‌شدن نظم جهانی و منطقه‌ای که دارای ویژگی‌های نظم شبکه‌ای، نامتقارن بودن نظم و اصول نوینی مانند هم‌زمانی و تنوع تهدیدات است. رژیم‌های بین‌المللی به‌عنوان یکی از ابزارهای کارآمد برای فائق‌آمدن کشورهایی است که با مشکلات امنیتی در محیط راهبردی پیرامون خود روبه‌رو هستند. کارکرد آنها در این رابطه به این صورت است که رژیم‌های بین‌المللی به کارآمدسازی رژیم‌های غیررسمی خاص مانند بازدارندگی کمک می‌کنند. بنابراین، رژیم‌های بین‌المللی ابزاری در راستای ایجاد بازدارندگی هستند.

از سوی دیگر، رژیم‌های بین‌المللی و شبکه دارای رابطه هم‌افزا هستند. به این صورت که سازه نوین سامانه بین‌الملل یعنی شبکه با تأثیری که بر وابستگی متقابل رفتارها در شبکه‌های منطقه‌ای دارد، عملاً منافع کشورها را در حوزه‌های موضوعی مختلف به هم نزدیک می‌کند و در کنار رژیم‌های بین‌المللی، باعث شکل‌گیری وضعیت امنیت مشترک در سامانه می‌شوند که در آن امنیت کشورها به هم گره خورده است؛ چراکه در وضعیت نوین، شبکه‌های منطقه‌ای از طریق کانال‌های ارتباطی در حوزه موضوعی مختلف از طریق پیوند موضوعی و پیوندهای ارتباطی دولت‌ها را به یکدیگر متصل می‌کند. با توجه به چنین شرایطی اصل وابستگی متقابل

حساس و اثر پروانه‌ای بین شبکه‌های متداخل منطقه‌ای برقرار است؛ به این صورت که کوچکترین تغییر کل واحدهای شبکه منطقه‌ای را در تحت تأثیر قرار خواهد داد و با هرگونه تکانه‌ای در سامانه کل واحدها تحت تأثیر قرار خواهد گرفت و امنیت تمامی واحدها را تحت تأثیر قرار خواهد داد. این شرایط به صورت هم‌افزاکننده زمینه را برای شکل‌گیری رژیم‌های بین‌المللی نیز فراهم می‌کند. به این صورت که رژیم‌ها زمانی شکل می‌گیرند که واحدها دارای نفع متقابلی در همکاری باشند. این شرایط را شبکه‌های منطقه‌ای و دینامیک ارتباطات فراهم می‌کنند.

بنابراین، در مدل فیزیکی بازدارندگی با توجه به وضعیت سامانه بین‌الملل نوین در قالب سامانه‌های پیچیده و آشوبی سامانه دارای تعدد نقاط تعادلی و شاخه‌ای شدن نظم منطقه‌ای است. دیگر ویژگی سامانه بین‌الملل شبکه‌ای شدن آن است. در سامانه بین‌الملل نوین شبکه‌ها به اجزای اصلی تشکیل دهنده سامانه بین‌المللی تبدیل و در این مسیر جایگزین منطقه در قالب سستی و جغرافیایی شده‌اند. شبکه‌ها سازه خاصی به منطقه داده‌اند و آن نیز ارتباط محوری و وابستگی متقابل رفتارها می‌باشد. تعدد نقاط تعادلی، شاخه‌ای شدن و خوشه‌ای شدن نظم، ارتباط محوری و وابستگی متقابل ناشی از شبکه‌ای شدن سامانه به صورت هم‌افزاکننده زمینه را برای شکل‌گیری رژیم‌های بین‌المللی فراهم می‌کند و در مرحله بعد رژیم‌های بین‌المللی شکل خواهند گرفت. به طور کلی، آشوبی بودن سامانه بین‌المللی، شبکه‌ها و رژیم‌های بین‌المللی ماهیت بازدارندگی را با تغییر و تحول اساسی روبه‌رو کرده‌اند و سبب شکل‌گیری شکل‌های نوین بازدارندگی شده‌اند. بنابراین، بازدارندگی به عنوان یکی از مهم‌ترین سامانه‌های مدیریت نظم و حفظ امنیت متأثر از سازه سامانه بین‌الملل است و هم‌زمان با تحول سامانه بین‌الملل و شکل‌گیری سامانه‌های پیچیده و آشوبی، متناسب با این محیط جدید سامانه بازدارندگی نیز با تغییر و تحول روبه‌رو شده است.

بازدارندگی شبکه‌ای محصول سازه محیطی است که در آن آشوبی بودن سامانه و همین‌طور مطرح شدن شبکه‌ها به عنوان سازه جدید سبب شکل‌گیری بازدارندگی می‌شوند. از سوی دیگر، بازدارندگی جمعی، حاصل اقدام جمعی واحدها در قالب رژیم‌های بین‌المللی است.

جدول ۱. تأثیر سازه محیطی بر شکل‌گیری بازدارندگی جمعی و شبکه‌ای

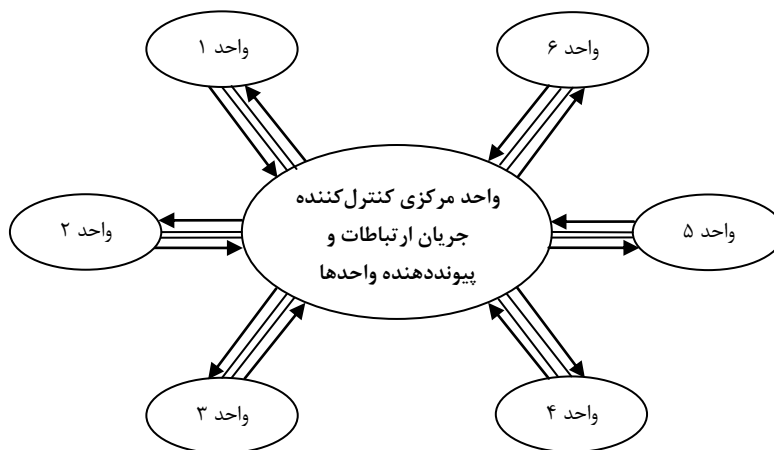
رژیم‌های بین‌المللی	شبکه‌ها	آشوب و پیچیدگی	
×	✓	✓	بازدارندگی شبکه‌ای
✓	✓	✓	بازدارندگی جمعی

بازدارندگی شبکه‌ای در سازه محیطی آشوبناک و شبکه‌ای شکل می‌گیرد. دینامیک ارتباطات سبب شکل‌گیری سازه شبکه‌ای می‌شود. در این شرایط واحدهای برخوردار از موقعیت کانونی در شبکه‌های مختلف توانایی ایجاد بازدارندگی شبکه‌ای را دارند. بازدارندگی جمعی در سازه محیطی آشوبناک، شبکه‌های و رژیم‌های بین‌المللی شکل می‌گیرد. بازدارندگی جمعی نتیجه تبدیل اقدام جمعی به تهدید جمعی است. این دو شکل از بازدارندگی در ادامه مفهوم‌سازی خواهند شد.

بازدارندگی شبکه‌ای

قدرت واحدها در شبکه براساس جایگاه واحدها در شبکه مشخص خواهد شد. پس، واحدهایی که در شبکه دارای موقعیت کانونی هستند، از قدرت کنترل جریان ارتباطی در شبکه برخوردارند. بنابراین، بازدارندگی شبکه‌ای روابط مبتنی بر تهدید از طریق استیلا بر جریان ارتباطی موجود در شبکه است (جمشیدی، قاسمی و محسنی، ۱۳۹۷: ۱۳۸).

این استیلا از طریق کنترل مرکز و کانون توزیع ارتباطات و کنترل نقاط پیوند در درون شبکه تحقق می‌یابد. برای مثال، جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا به دلیل برخورداری از موقعیت کانونی توانایی ایجاد بازدارندگی شبکه‌ای را دارد. ایران از منظر ژئوپولیتیک در صحنه سامانه بین‌الملل از واحدهای کانونی سامانه در حال ظهوری است که گستره فضایی آن میان چین، روسیه و امریکا را دربر گرفته است. در بعد ژئوکالچر نیز ایران به عنوان تنها دولت بزرگ شیعی جهان اسلام دارای موقعیت کانونی است؛ چراکه پیوند ایران با گروه‌های اسلامی، چه شیعه یا سنی به ایران قدرت کانونی بخشیده است که توانایی کنترل جریان‌های ارتباطی را در ژئوپولیتیک جهان اسلام برخوردار است. در حوزه ژئواکونومیک، جمهوری اسلامی ایران علاوه بر جایگاه مهم، دارای موقعیت کانونی در منطقه انرژی جهان است.



شکل ۱۰. مدل کلی بازدارندگی شبکه‌ای

بازدارندگی جمعی

سامانه بین‌الملل نوین از منظر کنترل و ساماندهی الگوهای رفتاری با وضعیت و شرایط پیچیده‌ای روبه‌روست که به‌همین جهت سامانه‌های کنترل پیچیده شکل می‌گیرند. سامانه‌های کنترل در وضعیت نوین سامانه بین‌الملل شکل جمعی و چندجانبه به خود گرفته‌اند. به‌عبارت‌دیگر در وضعیت نوین، اقدامات فردی واحدها از کارایی لازم برای مدیریت نظم برخوردار نیست و حفظ نیازمند اقدام جمعی واحدهاست. از سوی دیگر باتوجه به وضعیت مذکور، اصول و قواعد ویژه و به‌عبارتی روشن‌تر الگوریتم خاصی بر سامانه کنترل می‌بخشد که مهم‌ترین آن الگوریتم چندجانبه‌گرایی و توافق است. در این راستا، چندجانبه‌گرایی شکل اصیل نهادی در روابط بین‌الملل به‌شمار می‌رود. روابط میان چندین واحد بر پایه اصول تعمیم‌یافته رفتاری هماهنگ می‌شود. این اصول، رفتار مناسب را برای گروه ویژه‌ای از اقدامات در نظر می‌گیرد.

در این میان، رژیم‌های بین‌المللی به‌عنوان ابزار و سازوکار حفظ نظم براساس اصل چندجانبه‌گرایی شکل خواهند گرفت. براساس نیروی ژرف قدرت می‌توان سامانه بین‌الملل را به دو ساخت کنترل‌کننده و کنترل‌شونده تفکیک کرد که در این راستا باتوجه به حاکم‌بودن اصل چندجانبه‌گرایی در سامانه نوین بین‌الملل و شکل‌گرفتن رژیم‌های بین‌المللی براساس این اصل، بازدارندگی جمعی نیز از طریق اقدام جمعی و چندجانبه واحدها در قالب رژیم‌های بین‌المللی و باتوجه به تحول و پویایی دینامیک قدرت و تبدیل آن به دینامیک تهدید در قالب اقدام جمعی شکل خواهد گرفت (Jervis, 1982: 370_378).

بنابراین، بازدارندگی در سامانه بین‌الملل نوین به‌تبع تحولات رخ داده از شکل کلاسیک فردگرایانه فاصله گرفته و صورت جمعی و گروهی به خود گرفته است. به‌عبارت‌دیگر، مدیریت امنیت سامانه نیازمند اقدام جمعی واحدها است. به‌عبارت‌دیگر در سامانه نوین بازدارندگی جمعی به‌دلیل تحولات مذکور در سازه سامانه دچار تغییر و تحول شده است و از شکل کلاسیک فردگرایانه خود خارج شده است. از این منظر، رژیم‌های بین‌المللی به‌عنوان سازوکار حفظ نظم عمل خواهند کرد و دینامیک قدرت در قالب تهدیدات چندجانبه تغییر شکل خواهد داد و به‌صورت سامانه نوین بازدارندگی جمعی شکل خواهد گرفت. باتوجه به

پیچیدگی‌های گسترده در حوزه‌های موضوعی گوناگون به‌خصوص در حوزه موضوعی امنیت، اقدام جمعی واحدها برای مدیریت نظم منطقه‌ای عنصری کلیدی در مدیریت نظم و امنیت سامانه منطقه‌ای است (Morgan, 2012: 94-96).

با تقویت همبستگی‌های سامانه‌ای از طریق رژیم‌های بین‌المللی بازدارندگی نیز خصلت جمعی و گروهی پیدا کرده است. اقدام جمعی بازیگران سامانه به این معناست که گروهی از واحدها که فرض بر عقلانیت آنهاست برای ارتقای رفاه و خیر عمومی در قالب نیازهای مشترک گروهی خود در قالب رژیم‌های بین‌المللی سامان می‌یابند. فرض عقلانیت به این معناست که واحدها به این نتیجه خواهند رسید که اقدام جمعی به بهترین نحو منافع آنها را تأمین خواهد کرد. بازدارندگی جمعی یک پاسخ قوی و گسترده را توجیه می‌کند و این یکی از دلایلی است که واحدهای رقیب از حمله و تهدید خود منصرف خواهند شد. شواهد تاریخی بسیاری برای بازدارندگی جمعی وجود دارد؛ مانند رژیم امنیتی حاصل از اقدام جمعی کشورهای آتلانتیک شمالی در قالب ناتو^۱. تلاش اعضا برپایه اقدام جمعی در سامانه بازدارندگی جمعی استفاده از منطق تهدید برای مدیریت سامانه است. ترس از اقدام جمعی توسط واحدها موجب نگرانی جدی بازیگر رقیب خواهد شد و این تهدید مؤثری برای اجتناب از برخورد و حمله نظامی است (Morgan, 2003, 6_5).

در اینجا بازیگران جمعی این تهدید بازدارنده را به‌طور گسترده به صورت گروهی اجرا می‌کنند و همه اعضا به‌طور قابل توجهی به اقدامات انجام‌شده در راستای تهدید واحد رقیب کمک خواهند کرد. به‌عنوان مثال، پشتیبانی کلی اعضای سازمان ملل متحد از تحریم‌های پیش‌بینی‌شده در فصل هفتم منشور سازمان ملل به‌عنوان اقدامی جمعی در راستای تنبیه واحد یا واحدهای خاطی در سامانه بین‌الملل مورد استفاده سازمان قرار می‌گیرد. مهم‌ترین مزیت بازدارندگی جمعی این است که تهدید جمعی بازیگران سامانه و احتمال موفقیت آن می‌تواند به‌طور قابل توجهی به عدم استفاده از نیروی نظامی توسط واحدها بینجامد. در ارتباط با رابطه بین رژیم‌های بین‌المللی و بازدارندگی جمعی باید گفت که رژیم‌سازی و شکل‌دادن به

1. North Atlantic Treaty Organization

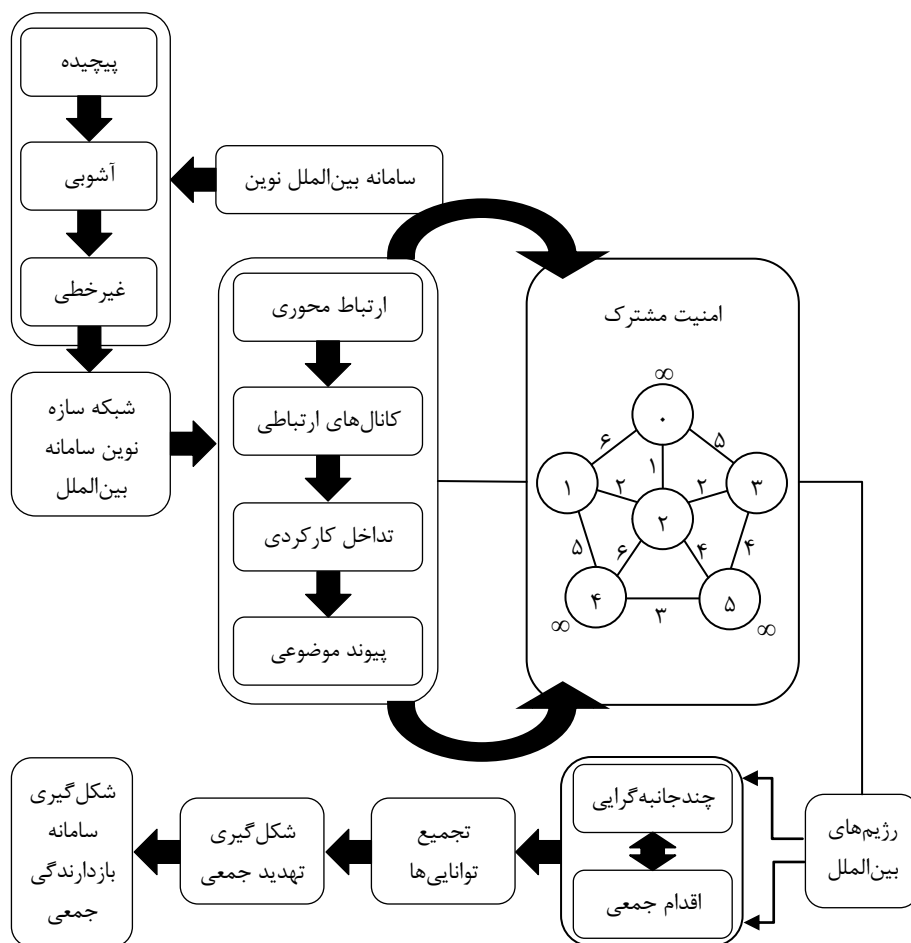
رژیم‌های بین‌المللی، اساس شکل‌گیری بازدارندگی جمعی است. به عبارت دیگر اقدام جمعی واحدها برای شکل‌دادن به ترتیبات رسمی در قالب رژیم‌های بین‌المللی برای حل معمای امنیتی در سامانه به شکل‌گیری رژیم بازدارندگی جمعی منجر خواهد شد و بازدارندگی را از سامانه‌ای فردگرایانه به سامانه‌ای جمعی و مبتنی بر اقدام جمعی تبدیل خواهد کرد. از سوی دیگر، به دلیل وجود معماهای امنیتی در سامانه آنارشیک و خودیار، مشکلات اقدام جمعی و اعتماد متقابل، سامانه بازدارندگی جمعی و کارآمدی آن نیز پیش شرط ورود واحدها به رژیم‌های بین‌المللی است. در صورت وجود چنین سامانه‌ای بین واحدهای مربوطه، اطمینان برای تغییر وضعیت و اقدام در قالب رژیم‌سازی و ایجاد رژیم‌ها افزایش می‌یابد که هنگام استفاده بازیگران جمعی از آن برای مدیریت سامانه ویژگی فردگرایانه خود را از دست داده است و ویژگی جمعی پیدا کرده است. بازیگر جمعی (گروهی از دولت‌هایند که برای رفاه عمومی و خیر جمعی متحد شده و عمل می‌کنند). موضوع مهم استفاده از بازدارندگی توسط این بازیگران برای حفظ صلح و امنیت برای سامانه بین‌الملل جهانی و یا منطقه‌ای است. این به معنای به‌کاربردن منطق جمعی تهدید علیه بازیگرانی است که نظم و امنیت منطقه‌ای را با تهدید روبه‌رو می‌کنند. به‌طور کلی، متغیرهای تشکیل‌دهنده بازدارندگی جمعی منطقه‌ای عبارتند از:

- گستره جغرافیایی ارتباط محور: بازدارندگی جمعی منطقه‌ای نیز همانند بازدارندگی کلاسیک در گستره‌ای جغرافیایی شکل می‌گیرد. گستره جغرافیایی بازدارندگی جمعی برخلاف بازدارندگی کلاسیک، به دلیل تحولات سامانه بین‌الملل نوین در قالب سامانه‌های پیچیده و آشوبی و شبکه‌ای شدن نظم آن مبتنی بر دینامیک ارتباطات است (Harrison, 2006):

- محیط راهبردی و متغیرهای تشکیل‌دهنده آن: از جمله نظم نامتقارن و هم‌زمانی و تنوع تهدیدات؛

- واحدها: واحدهای جمعی تشکیل‌دهنده بازدارندگی جمعی منطقه‌ای و اقدام جمعی آنها که درگیر در فرایند بازدارندگی و براساس بخش‌های تشکیل‌دهنده منطقه مشخص می‌شوند (Morgan, 2012: 91_92_93):

- شرایط محیط راهبردی منطقه: چگونگی شرایط محیط راهبردی منطقه از نظر اینکه آیا محیط منطقه تعارضی است یا مؤلفه‌های همکاری در آن مهیاست؟ آیا محیط منطقه، متعارف و فاقد سلاح‌های نامتعارف و کشتار جمعی است، یا در نهایت اینکه کشتار یا عناصر تعارضی و ستیزشی در آن فعال بوده و لذا فرایندهای تعارضی متعددی در آن مشاهده می‌شود؟
 - تبدیل قدرت ناشی از اقدام جمعی به تهدید جمعی: تجمیع توانایی‌ها در قالب رژیم‌های بین‌المللی و تبدیل توانایی به تهدید جمعی (Haggard & Simmons, 1987: 510_511_512):



شکل ۱۱. مدل نظری بازدارندگی جمعی

نتیجه‌گیری

فروپاشی نظام دوقطبی، ایجاد نظم‌های منطقه‌ای متکثر و گسترده، تأثیر شگرف دینامیک ارتباطات و فناوری در سامانه، شکل‌گیری طیف گسترده‌ای از بازیگران در کنار دولت‌ها و تعدد نقاط تعادلی و غیره سبب تغییر و تحول در سازه سامانه بین‌المللی شده است؛ موضوعی که سبب حرکت از سامانه ساده و خطی به سمت سامانه پیچیده و غیرخطی شده است. موضوع مهمی که در این رابطه مطرح می‌شود، تأثیر این تغییر و تحول بر بخش‌های مختلف سامانه است. یکی از بخش‌های مهم سامانه نیز بازدارندگی است. باتوجه به این پیش فرض اساسی که بازدارندگی و شکل‌های مختلف آن تحت تأثیر سازه سامانه قرار دارند، این سؤال مطرح می‌شود که تحول سامانه بین‌الملل در قالب سامانه‌های غیرخطی و آشوبی چه تأثیری در سازه فیزیکی و منطقی سامانه بازدارندگی خواهد داشت؟

در پاسخ، این فرضیه مطرح شد که با تحول سامانه بین‌الملل به سمت پیچیدگی و آشوب، سازه منطقی و فیزیکی نظم منطقه‌ای نیز تغییر پیدا کرده است و آشوبناکی، شبکه و رژیم‌های بین‌المللی به‌عنوان سازه نوین نظم مطرح می‌شوند. متناسب با این سازه‌ها سامانه بازدارندگی نیز که تحت تأثیر سازه‌های سامانه قرار دارد با تغییر و تحول روبه‌رو شده و شکل‌های نوینی از جمله بازدارندگی شبکه‌ای و جمعی پیدا کرده است. دیگر شکل‌های کلاسیک بازدارندگی که محدود به روابط قدرت‌های بزرگ جهانی بود از کارایی لازم در نظم‌های منطقه‌ای برخوردار نیستند. همچنین سازه نظم‌های منطقه‌ای نیز با تحول اساسی روبه‌رو شده است.

در روش تحقیق نیز با استفاده از روش تحلیل آماری، ارتباط میان متغیرهای پژوهش اثبات شد. به این صورت که ارتباط وثیقی میان سازه سامانه و الگوهای نوین بازدارندگی وجود دارد. این سازه نوین سامانه است که سبب شکل‌گیری بازدارندگی جمعی و شبکه‌ای شده است. به‌طور کلی، مهم‌ترین یافته تحقیق نیز حول اثبات رابطه میان سازه سامانه و بازدارندگی است.

باتوجه به تغییر و تحولات رخ داده در سامانه و شکل‌گیری سامانه‌های غیرخطی، پیچیدگی و آشوب، شبکه‌ها و رژیم‌های بین‌المللی به‌عنوان سازه‌های نوین سامانه بین‌الملل مطرح شده‌اند. از سوی دیگر باتوجه به اینکه الگوهای مدیریت نظم منطقه‌ای مانند بازدارندگی نیز متأثر از سازه سامانه است. بنابراین، باتوجه به تغییر و تحول سازه سامانه بین‌الملل بازدارندگی نیز با

تغییر و تحول روبه‌رو شده است. از یک سو، براساس، سازه آشوبی و همین‌طور سازه شبکه‌ای الگوی بازدارندگی شبکه‌ای شکل گرفته است. این شکل از بازدارندگی براساس ارتباطات و الگوی توزیع ارتباطات در سامانه‌های منطقه‌ای شکل می‌گیرد. به این صورت که ارتباطات و الگوی توزیع آن باعث ایجاد کانال‌های ارتباطی، ایجاد پیوندهای موضوعی در حوزه‌های موضوعی گوناگون و سرانجام وابستگی واحدهای شبکه‌ای به یکدیگر شده است.

پیوندهای موضوعی نیز همچون تار عنکبوت واحدهای شبکه‌ای را به یکدیگر همبسته خواهند کرد. در این بین، واحدهای برخوردار از موقعیت کانونی با کنترل جریان ارتباطات در سامانه توانایی ایجاد بازدارندگی شبکه‌ای را دارند. شکل دوم بازدارندگی در شرایط آشوبی و پیچیده سامانه، بازدارندگی جمعی است. این شکل از بازدارندگی براساس، سازه آشوبی و رژیم‌های بین‌المللی شکل می‌گیرد. به این صورت که رژیم‌های بین‌المللی از طریق تجمیع توانایی واحدها و ایجاد امنیت مشترک چندجانبه‌گرایی را اصل و اساس اقدام جمعی مطرح کرده است. در این شرایط، بازدارندگی نیز در پرتو اقدام جمعی واحدها از یک جانبه‌گرایی واحد محور به چندجانبه‌گرایی رژیم محور تغییر پیدا کرده است و سامانه نوین بازدارندگی جمعی در روابط بین‌الملل شکل گرفته است. این شکل از بازدارندگی حاصل تبدیل قدرت جمعی و تجمیع توانایی‌ها به تهدید جمعی است.

مهم‌ترین یافته تحقیق این است که بازدارندگی در محیط‌های پیچیده و آشوبی متحول شده است. بازدارندگی در محیط جدید به سمت چندجانبه‌گرایی سیر کرده است. به این صورت که اگر در محیط‌های ساده و کلاسیک بازدارندگی واحد محور و یکجانبه بود، در حال حاضر چندجانبه شده است. به همین ترتیب، نیز در حال حاضر نقش و اهمیت رژیم‌های بین‌المللی در جهت ایجاد بازدارندگی برجسته شده است. به عبارت دیگر در شکل کلاسیک بازدارندگی به صورت یک کشور در مقابل کشور دیگر بود اما در حال حاضر به صورت بازدارندگی گروهی از کشورها در مقابل یک کشور یا گروه دیگری از کشورها ترسیم می‌شود. این موضوع نیز به دلیل شرایط پیچیده و آشوبناک محیط سامانه بین‌الملل است که اقدامات چندجانبه را برای مدیریت نظم جهانی و منطقه‌ای طلب می‌کند.

منابع

فارسی

۱. جمشیدی، محمدحسین؛ قاسمی، فرهاد و محسنی، سجاد (۱۳۹۷)، عربستان سعودی و بازدارندگی شبکه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران، مطالعات راهبردی، سال ۲۱، ش ۳.
۲. سلیمانی، غلامعلی (۱۳۹۰)، نقد و بررسی مدل عقلانی تصمیم‌گیری در سیاست خارجی از گونه‌های تعدیل‌شده الگوی عقلانی تا مدل‌های جایگزین، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست‌وپنجم، ش ۲: ۳۵۹ - ۳۳۰.
۳. سیدامامی، کاووس (۱۳۹۱)، پژوهش در علوم سیاسی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۴. سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۰)، جهانی‌شدن قدرت و سیاست خارجی امریکا: مداخله‌گرایی برای تثبیت پیشتازی و اعمال پیشوایی، مطالعات منطقه‌ای: اسرائیل‌شناسی - امریکاشناسی، جلد هفتم: ۱ - ۲۸.
۵. عسگرخانی، ابومحمد (۱۳۷۷)، سیری در نظریه‌های بازدارندگی، خلع سلاح و کنترل تسلیحات هسته‌ای، مجله سیاست دفاعی، ش ۲۵: ۴۸ - ۲۰.
۶. قاسمی، فرهاد (۱۳۸۶)، دیپلماسی و روابط بین‌الملل، تهران: نشر میزان.
۷. قاسمی، فرهاد (۱۳۸۷)، نگرش شبکه‌ای به مناطق و تحلیل فرایندهای آن از دیدگاه تئوری‌های سیکلی، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم، ش ۱.
۸. قاسمی، فرهاد (۱۳۸۸)، الزامات تئوریک بازدارندگی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شماره سوم.
۹. قاسمی، فرهاد (۱۳۹۰)، نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای، تهران: انتشارات میزان.
۱۰. قاسمی، فرهاد (۱۳۹۱)، اصول روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات میزان.
۱۱. قاسمی، فرهاد (۱۳۹۱)، تأثیر محیط راهبردی خلیج فارس بر طراحی نظام بازدارندگی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال دهم، ش ۴۰.
۱۲. قاسمی، فرهاد (۱۳۹۱)، مبانی نظری، کارکردی نظریه سیستم‌های پیچیده و آشوب در مطالعات نظم منطقه‌ای، مجله رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ش ۳۴.
۱۳. قاسمی، فرهاد (۱۳۹۲)، نظریه‌های روابط بین‌الملل بنیان‌های نظری نظم و رژیم‌های بین‌المللی، تهران: انتشارات میزان.
۱۴. قاسمی، فرهاد و اکبرآبادی، زهرا (۱۳۹۲)، تأثیر شبکه متداخل ایران بر دیپلماسی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، سیاست بین‌الملل، دوره ۱، ش ۲.
۱۵. کرم، امیر (۱۳۸۹)، نظریه آشوب، فرکتال و سیستم‌های غیرخطی در ژئومورفولوژی، فصلنامه جغرافیای طبیعی، سال سوم، شماره ۸.

۱۶. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۵)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: سمت.
۱۷. نیومن، ویلیام و لاورنس نیومن (۱۳۹۴)، شیوه‌های پژوهش اجتماعی: رویکردهای کمی و کیفی، جلد دوم، ترجمه حسن دانایی‌فرد و سیدحسین کاظمی، تهران: مهربان نشر.

انگلیسی

1. Deutsch, k. W. (1979), Tides Among Nations. New York: free press.
2. Hafner et al,(2008),«Network Analysis for International Relations» International Organization 63, pp: 559-92.
3. Harkavy, Robert(1998),Triangular or Indirect Deterrence Theory? Comparative Strategy.
4. Harrison, N. J. (2006), Complexity in World Politics: Concepts and Methods of a New Paradigm. new york :State University of New York Press.
5. Haggard, Stephan, and Beth A. Simmons (1987), Theories of international regimes. International Organization 41, no. 3:pp. 491-517.
6. Huth, Paul & Russett, Bruce(1988), Deterrence Failure and Crisis Escalation, International Studies Quarterly,Vol. 32, No. 1
7. Robert Jervis,(1982), "Security Regimes", in Krasner, op. cit.
8. Katzenstein, Peter (2004), A World of Regions, Asia and Europe, Cornell: Cornell University press.
9. Krasner Stephen D.(1981), «Structural causes an Regimes» Consequences: International organization 36, 2: 1_ 21.
10. Arie, Koichi(2016), Complex Deterrnece Theory and the Post- Cold War Security Enviroment, Defense and Security, 17.
11. Keaney, Brian A, (2006), The Realism of Hans Morgenthau, Department of Government and International Affairs College of Arts and Sciences, University of South Florida Scholar Commons.
12. Keoheane, Robert & Nye, J. (1977), Power and Interdependence: World politics in Transition. Boston: Little, Brown. 18.
13. Knopf W. Jeffrey(2010), The Fourth Wave in Deterrence Researc, Contemporary Security Policy, 31:1, 1-33, DOI: 10.1080/13523261003640819.
14. Mearsheimer, John J.(1983), Conventional Deterrence, New York: Cornell University Press.
15. Morgan, , M Patrick (2003), Deterrence Now, Cambridge University Press.
16. Morgan, M Patrick, Wirtz James J, Paul, T.V.(2009), Complex Deterrence: Strategy in the Global Age, University of Chicago Press.
17. Morgan, M Patrick(1983), Deterrence: A Conceptual Analysis (SAGE Library of Social Research), SAGE Publications, Inc; 2nd edition.
18. Morgan, M Patrick(2006), International Security: Problems and Solutions, CQ Press; 1 edition.
19. Morgenthau, H. J. (1985), Politics Among Nations, New York: Alfred Knopf.
20. Nye, Joseph S(1987), "Nuclear Learning and U.S - Soviet Security Regimes,"International Organization, Vol. 41, pp.372-374.
21. Patrick M. Morgan,(2012), «The State of Deterrence in International Politics Today» Article in Contemporary Security Policy, pp.86_107.
22. Rosecrance, R, et al. (1977), «Whither Interdependence?» International Organization 31, 2.

23. Wirtz, James. J, (2004), Disarmament deterrence and denial, comparative strategy.
24. Zagare, Frank C., and D. Marc Kilgour. 2000. Perfect Deterrence. Cambridge, UK: Cambridge University Press.